

# کاردستی، ذهن کودک را خلاق بار می آورد

گزارش نشست «کاردستی در مجلات رشد دانش آموزی»  
با حضور فاطمه رادپور





## هم‌اندیشی

..... اشاره  
موضوع «کاردستی» در مجلات رشد دانش آموزی همواره موضوعی جذاب و سرگرم کننده و بستری برای خلاقیت بوده است. در نخستین روزهای آذر ۱۳۹۴ با حضور فاطمه رادپور، نویسنده و کارشناس کاردستی و سردبیران مجلات دانش آموزی رشد به موضوع کاردستی پرداخته شد. آنچه در ادامه می‌خوانید گزارشی از این نشست است. ....



**فاطمه رادپور:** پیش از شروع میانی نظری، می‌خواهم فضا را با نگاهی کودکانه جلو ببرم. روزنامه و مجله یکی از مواد در دسترس ماست. یکی از موضوع‌های مورد بحث، بررسی قابلیت‌های مواد است. برای درک موضوع در این جلسه، فعالیت‌هایی انجام می‌دهیم. دوستان روزنامه‌ای را که در دستشان است مجاله کنند و حس خودشان را درباره‌ی اتفاقی که می‌افتد به ما بگویند.

**محبت‌الله همتی،** ناظر محتوایی مجلات رشد: صدای جفجغه می‌دهد.

**رادپور:** بله. صدا می‌دهد. این صدا ما را به یاد صدای آب، صدای خش خش برگ‌های پاییزی، صدای باد و... می‌اندازد. کودک می‌تواند از این‌ها به عنوان وسیله‌ی بازی استفاده کند. زمانی که با بچه‌ها شروع به کار می‌کنیم، اولین چیزی که در اختیار داریم کاغذ است. ما چه نقشی می‌توانیم داشته باشیم؟ کاردستی ارتباط بین



بشر است، می‌باشد. مسئله‌ای که اتفاق می‌افتد، خلاقیتی است که از طریق کودک بر روی مواد مختلف اعمال می‌شود و این می‌تواند حاصل تغییری باشد که از طریق کم کردن، زیاد کردن یا آشنایی زدایی اتفاق می‌افتد.

ما در درجه اول ماده و ویژگی‌های آن را به کودک می‌شناسانیم. هر ماده با ماده دیگر تفاوت دارد. زمانی که صحبت از کار با کاغذ می‌کنیم، می‌خواهیم از قابلیت‌های آن مانند تا خوردن، جر خوردن، رشته رشته شدن، مچاله شدن، سوراخ شدن و... استفاده کنیم. بنابراین هر چه در کاغذ اتفاق می‌افتد، یعنی یک تغییر حالت. ما از این تغییر حالت استفاده می‌کنیم. هر کدام از این تغییر حالت‌ها قابلیت باز شدن دارد. مثلاً مچاله شدن را می‌توانیم به اندازه یک برخورد بسیار ظریف در نظر بگیریم.

در شکل سطوح بچه‌ها می‌توانند اشکال متنوعی را از کنار هم چیدن نقطه‌ها بسازند و سطوح را شکل‌پذیر کنند. این شکل‌ها را ممکن است بچه‌ها به صورت نقاشی استفاده کنند. از کنار هم قرار گرفتن این‌ها بافت تشکیل می‌شود. بنابراین حاصل بخشی از کار با کاغذ و مقوا همین است. وقتی از قابلیت «تا کردن» استفاده می‌کنیم، اولین چیزی که به ما منتقل می‌شود این

چشم، دست و ذهن است. هنگامی که

این ارتباط برقرار

می‌شود، حاصل آن

تولیدی است که کودک را به

توانایی‌های جسمی و ذهنی می‌رساند. کودک از

این تولید لذت می‌برد و می‌تواند احساسش را ابراز کند

و مهارت‌هایی در کار گروهی کسب کند. هم‌چنین در

کارهای دست‌ورزی مهارت پیدا می‌کند و اطلاعاتی درباره

اطراف خودش به دست می‌آورد.

اولین چیزی که ما در آموزش کاردستی به کودک

مورد توجه قرار می‌دهیم، ارتباط با «طبیعت» است. طبیعت

الهام‌دهنده بسیار قوی برای کودکان است؛ زیرا انسان

نیازهای خود را با طبیعت برطرف کرده و همیشه برای رفع

نیازهای خود از طبیعت الهام گرفته است. بنابراین وظیفه ما

این است که مشاهده کودک را نسبت به طبیعت افزایش

دهیم. این کار می‌تواند به ساده‌ترین شکل اتفاق بیفتد. من

در دوره‌های آموزشی که با معلمان درس هنر داشتم، آن‌ها را

به طبیعت بردم و خواستم هر آنچه را که در آن فضا وجود دارد

با تمام حواسشان دریافت کنند. از لمس کردن درخت تا دیدن

اشکال و تنوع آن‌ها. تمام آنچه ما در هنر تجربه می‌کنیم و به

عناصر بصری تجربه می‌کنیم، در طبیعت دیده می‌شود. برای

این که معلمان بتوانند برای کودک برنامه‌سازی کنند، آن‌ها را با

این مقوله آشنا کردیم؛ نه برای این که اطلاعات را مستقیماً در

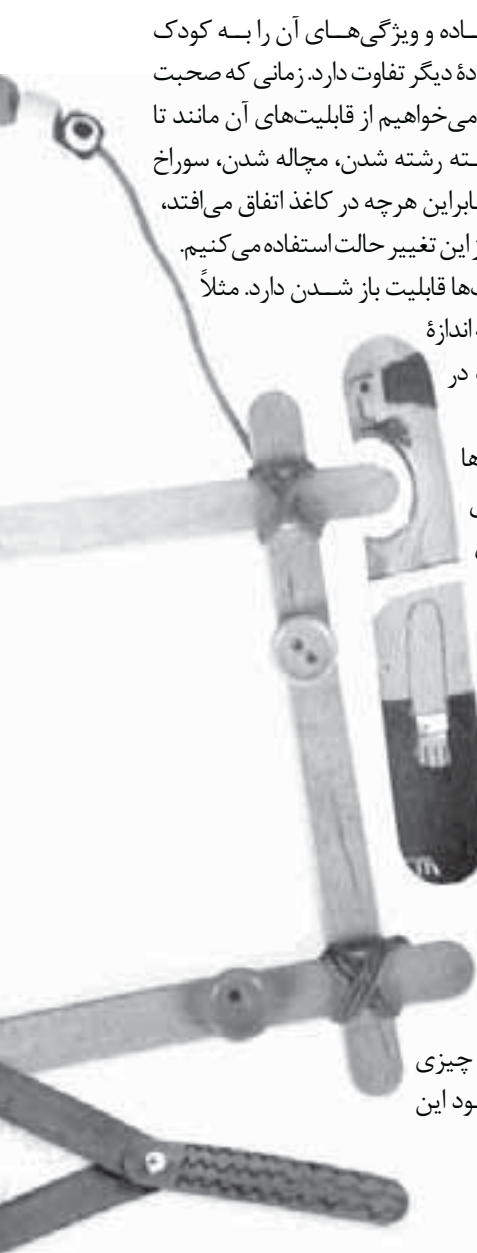
اختیار کودک قرار دهند. این اطلاعات از طریق CD در اختیار

معلمان قرار داده شده است.

در کاردستی با مواد مختلفی ارتباط داریم از جمله انواع

کاغذ و مقوا، دورریختنی‌ها، گل و انواع خمیر. مورد دیگر، کار

کردن با هر آنچه پیرامون ما وجود دارد و ساخته شده دست



است که سطحی داریم که می‌توانیم آن را به حجم تبدیل کنیم. این حجم ساده‌ترین شکلی است که پیچیده آن را در اوریگامی مشاهده می‌شود. در فرهنگ چینی اوریگامی جایگاه ویژه‌ای دارد و از آن برای ایجاد تمرکز استفاده می‌شود. چینی‌ها از زمانی که کودک یاد می‌گیرد چیزی بسازد، با او اوریگامی کار می‌کنند. اوریگامی یک ابزار تمرکز و مدیتیشن است.

پدیده کاردستی، فرزند طراحی صنعتی است و شکل بارزش در آن زمان اتفاق می‌افتد. طراحی هر شکل باید هم ویژگی‌های بصری و هم قابلیت استفاده داشته باشد. یکی از ویژگی‌های کاردستی این است که ذهن کودک خلاق بار بیاید تا اگر استعدادی در این زمینه دارد در آینده شکوفا شود. مهم‌ترین هدف از آموزش هنر به کودک این است که استعدادهایش کشف شود، چون پتانسیلی که در درون او وجود دارد آن قدر گسترده است که در زمینه‌های مختلف قابل شکوفا شدن است.

از نوع فعالیت کودکان می‌توان فهمید که در چه زمینه‌ای استعداد بیشتری دارند. متأسفانه در کشور ما بچه‌ها در رشته‌هایی تحصیل می‌کنند که یا مجبورند و یا به خاطر مدرک و درآمد آن را ادامه می‌دهند. در صورتی که در کشورهای پیشرفته، استعدادها مشخص می‌شود و بچه‌ها مسیری را انتخاب می‌کنند که در آن توانایی بیشتری دارند. بنابراین هنر در مجموع چیزی نیست که فقط هنرمند بسازد، قرار است استعدادها افراد را به اشکال مختلف شکوفا کند.

«گل» هم جزو مواد طبیعی است، البته ما برای گل و انواع خمیر هویت مستقلی قائل هستیم. بچه‌ها با گل خیلی احساس آرامش می‌کنند و کار با آن از نظر روحی - روانی برای بچه‌ها مفید است. زمانی که این ماده را تغییر می‌دهند، تغییرات آن مانند کاغذ و مقوا

ویژگی‌های خاص خود را دارد.

از شما می‌خواهم درباره تغییرات و قابلیت‌های گل صحبت کنید. وقتی این ماده را در اختیار کودک قرار می‌دهیم، به راحتی آن را تجربه می‌کند، ولی می‌خواهم بدانم چه قابلیت‌هایی دارد که من بتوانم برای کودک برنامه‌سازی کنم؟

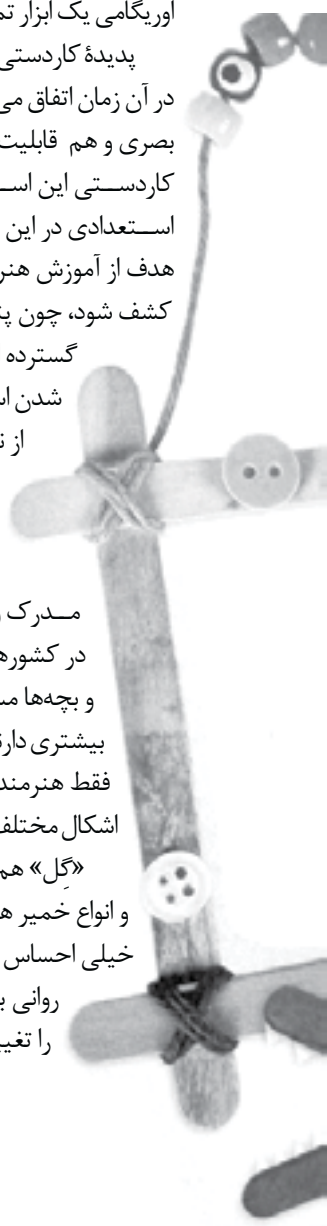
**همتی:** قابلیت شکل‌پذیری دارد

**رادپور:** شکل‌پذیری برای گل یک کلیت است. می‌توانید مثال بزنید؟

**همتی:** بویی که از گل به مشام می‌رسد و احساسی که از گل‌بازی به کودک دست می‌دهد، کودک را همه‌جانبه درگیر می‌کند.

**رادپور:** درست است. زمانی که ماده‌ای را در اختیار کودک قرار می‌دهیم، اول می‌خواهیم تا خود ماده را حس کند. در مرحله بعد، شکل‌پذیری گل را به صورت ایجاد برنامه برای کودک تقسیم‌بندی می‌کنیم و به همان‌قبایی که درباره کاغذ و مقوا صحبت کردیم برمی‌گردیم.

ما می‌توانیم گل را به گلوله‌های کوچک تبدیل کنیم. می‌توانیم آن را فتیله کنیم و از قابلیت خط‌گونه آن بهره‌برداری کنیم. می‌توانیم از گل به شکل یک توده استفاده کنیم و آن را به سطح تبدیل کنیم. زمانی که بتوانیم به یک زبان کلی برای شناخت مواد و برنامه‌هایی که می‌توانیم روی آن انتقال دهیم برسیم، دست ما باز خواهد شد برای این‌که به اندازه تمام انسان‌ها تنوع داشته باشیم. به این ترتیب می‌توانیم کودک را به فردیت خودش برسانیم. در آن‌جا از الگوبرداری پرهیز می‌کنیم و برای ذهنیت کودک هنگام ایده‌سازی احترام قائل می‌شویم. ما فقط اجازه داریم قابلیت‌های ماده را به کودک آموزش دهیم تا با این‌قبا و حروف، دست به خلق ایده‌های ذهنی بزند. بنابراین در حوزه گل





و انواع خمیر می‌تواند این اتفاق بیفتد. این اتفاق فعلاً در این حد است که کودک به ذخایر تصویری اطرافش نرسیده است. در ادامه کار باید مسیرهای دیگری انتخاب

کنیم

برای رسیدن به حوزه‌های تصویری از زاویه دیگری برخورد می‌کنیم. از بنیادی‌ترین عناصر که همان شکل‌های هندسی هستند استفاده می‌کنیم. شکل‌های هندسی در سه شکل دایره، مربع و مثلث خلاصه می‌شوند که سه شکل تجزیه‌ناپذیرند. از کودک می‌خواهیم که این ساده‌ترین اشکال را در اختیار بگیرد. اولین مهارت کودک این است که بتواند این اشکال را برش بزند. از او می‌خواهیم هر چه شکل دایره‌گونه در اطرافش وجود دارد را پیدا کند. در این بخش به کودک مشاهده کردن را آموزش می‌دهیم؛ مشاهده اشکال متنوعی که در اطرافش وجود دارد و در حالت عادی مشاهده نمی‌شود. دیدن می‌تواند کمک کند که این جست‌وجو تداوم داشته باشد. آنچه اتفاق می‌افتد، کم‌کم کودک را با فضای بصری آنچه در اطرافش وجود دارد آشنا می‌کند. ابتدا او را به سمت آنچه که می‌بیند هدایت کرده، سپس او را به سمت تخیل برده تا چیزی ایجاد کند. در این جا دایره را به عنوان قالبی تصور می‌کنیم که به سمت اشکال پیرامونش برگردد. در کاردستی بحثی به نام «اتصالات» داریم. وقتی ماده را از شکلی به شکل دیگر درمی‌آوریم، از اتصالات کمک می‌گیریم که انواع مختلفی دارد.

قرار است ما همیشه کودک را در فضایی قرار دهیم که بتواند در هر حالتی به خلق کردن برسد. در طبیعت مواد طبیعی بسیار زیادی وجود دارد، مثل شاخه و برگ درختان، میوه، پوسته درخت، هسته، دانه و... همه این‌ها قابل بهره‌برداری هستند. سنگ‌ها و خاک هم همین‌طور است. با تغییر این مواد از طریق حذف و اضافه کردن خود آن ماده، می‌توان آن‌ها را به انواع شکل‌های بصری تبدیل کرد. به ساده‌ترین شکل می‌توان از

ویژگی‌های خود ماده استفاده کرد.

یکی دیگر از تنوعات ایجاد تغییر در ماده «مچاله کردن» و «درهم تنیدن» است که نم‌دبافی حاصل استفاده از همین قابلیت است.

«لوله کردن» کاغذ که نوع دیگری از تغییر شکل کاغذ است، اشکال مختلفی ایجاد می‌کند و می‌توان با استفاده از این روش شکل‌های مختلفی به وجود آورد.

برای پرورش تخیل و تجسم کودک می‌توان از فعالیت‌های پایدار و ناپایدار استفاده کرد. به طور مثال یکی از فعالیت‌های ناپایدار بازی با سایه‌هاست. سایه یک فعالیت ناپایدار است و ما می‌توانیم بچه‌ها را تشویق کنیم که به سمت اشکالی که از طریق سایه درست می‌شود، بروند. ما از برف همیشه به عنوان آدم‌برفی استفاده می‌کنیم، اما می‌توانیم به شکل‌های دیگر هم از آن استفاده کنیم. اگر شما چیزی از فعالیت‌های ناپایدار در ذهن دارید بفرمایید.

**همتی:** کار روی خاک. پاشیدن آب.

**رادپور:** بله درست است.

**سپیده چمن‌آرا، سردبیر رشد برهان متوسطه اول:** ابرها **مجید راستی، سردبیر رشد کودک:** اشکالی که کودک‌کان با بدن خود درست می‌کنند.

**رادپور:** کاملاً درست است. تمام این محصولات برای شکل دادن به تخیل بچه‌ها مفید است.

**چمن‌آرا:** صحبت‌های شما یک نگاه تجزیه و ترکیبی است. یک دید هم می‌تواند فرایندی باشد، یعنی در یک فرایند یک شی به چیز دیگری تبدیل می‌شود.

**رادپور:** ما در خیلی از مواد می‌توانیم فرایند تغییر یک پدیده را به بچه‌ها نشان دهیم. یک بخش جالب در این زمینه فرایند رشد گیاه است. بچه‌ها در رشد بعضی از گیاهان مثل گوجه‌فرنگی تغییرات متنوع و جالبی را مشاهده می‌کنند. فرایند تغییر در شکل، رنگ و بافت این ماده اتفاق می‌افتد. یک مربی



گفتند، ایجاد مهارت دست‌ورزی بوده است. ارتباطی که بچه‌ها با طبیعت برقرار می‌کنند خیلی قابل توجه است. از همه مهم‌تر، ایجاد خلاقیت است که شگفتی‌های زیادی برای معلمان داشته است.

**همتئی:** نگاه تربیتی خانم رادپور همیشه آموزنده بوده است و شاید به دلیل همین نگاه بوده که مدتی در گروه برنامه‌ریزی درسی آموزش هنر فعالیت داشته‌اند و در تدوین برنامه جدید آموزش هنر شرکت داشته‌اند.

**محمد ناصری،** مدیرمسئول مجلات رشد: من همیشه روی صفحات کاردستی تأمل می‌کنم. برداشت من، نوع نگاه تازه‌ای است که به اشیاء باید داشت. چیزهایی که از شدت حضور از دید ما پنهان هستند. شما عملاً بچه‌ها را اوادار می‌کنید که جور دیگری به زندگی نگاه کنند و به نوعی شعر و معرفت را مطرح می‌کنید.

**رادپور:** در تعامل با معلمان، همیشه فاصله‌ای که بین آن‌ها و دانش‌آموزان وجود داشت را به شکل‌های مختلف دیده‌ام. در مورد هدفی که ما قصد داریم به آن برسیم همیشه موانعی وجود داشته است. یکی دیدگاه و جهان‌بینی معلم بود. دیگری فضای آموزشی مدرسه و کادر آموزشی بود. البته سعی کردیم نگاه معلمان تغییر کند. احساس می‌کنم مجلات رشد می‌توانند نقش پررنگ‌تری داشته باشند تا این نگاه تغییر کند. چون حرف معلمان برای بچه‌ها حجت است و اگر اطلاعات از طریق آن‌ها به درستی منتقل نشود، مسیر زندگی بچه‌ها را تغییر می‌دهد. من معتقدم اطلاعات دادن به یک لوح پاک خیلی آسان‌تر از پاک کردن اطلاعات و دوباره بازسازی کردن آن است. امیدوارم این کار از طریق مجلات رشد اتفاق بیفتد.

**همتئی:** ما در دوره ابتدایی برنامه آموزش هنر داریم و بخش‌های هنری مجلات با اهداف این برنامه همسو هستند. البته هنوز کتابی برای این برنامه تألیف نشده است. بر این اساس صفحات هنر و کاردستی مجلات می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد.

بازکوت می‌تواند با استفاده از انواع فرایندها رشد، پروژه‌هایی برای فعالیت کودکان طراحی کند تا توسط آن‌ها اجرا شود تا کودک درک بهتری از این تغییرات پیدا کند.

**همتئی:** خانم رادپور با شیوه ساخت کاردستی در شماره دو از مجله رشد کودک مخالف است. می‌خواهم دلایل آن را مطرح کند.

**رادپور:** در این شماره، کاردستی به صورت مرحله به مرحله آموزش داده شده است. وقتی ما مرحله به مرحله کاردستی را آموزش می‌دهیم، از خلاقیت کودک کم می‌کنیم. کودک حتی اگر نداند مراحل کار چگونه است و خودش کاری را تولید کند، ارزش بیشتری دارد. ما می‌توانیم مرحله‌بندی را در پایه کار یعنی ماده خام قرار دهیم و در مرحله ایده‌سازی و تنوعات آن مسئولیت را به عهده کودک بگذاریم.

**شهرام شفیعی،** سردبیر رشد دانش آموز: ما کارهای خارجی را هم می‌بینیم و مقایسه می‌کنیم. در مورد بداهه بودن عرضی دارم. ما می‌گوییم خداوند «فاطر» است و این معنا برای ما غیرقابل درک است. فاطر یعنی این که بدون ایده قبلی چیزی آفریده شود. در این بداهه اتفاق افتادن‌ها می‌توانیم کمی مزه فاطر بودن را بچشیم. درکی که اتفاق می‌افتد در وجود بچه است. اگر در خود ما انعطاف نباشد نمی‌توانیم به گل هم انعطاف بدهیم. این اتفاق در خود ما می‌افتد. به مصداق این که:

باغ‌ها و سبزه‌ها اندر دل است

عکس آن بیرون بر این آب و گل است

ما سعی می‌کنیم تصویری از آن چه در خودمان وجود دارد را در بیرون ایجاد کنیم که در این گروه سنی آن چه که مشاهده کردیم نمود بیرونی بچه‌ها بود.

**افسانه موسوی گرمارودی،** سردبیر رشد نواآموز: موضوعی که ما متوجه شده‌ایم این است که بچه‌ها کاردستی‌هایی که در مجله آموزش داده می‌شود را تولید می‌کنند. هدف مجله رشد نواآموز از این بخش، علاوه بر مواردی که خانم رادپور